

کارگران مهاجر ایتالیا برای هفته‌ی کاری ۴۰ ساعته اعتصاب می‌کنند

گفتگو با سارا کادیرو (مسئول ناظر اتحادیه‌ی مستقل Sudd Cobas در ایتالیا)

از اوایل آوریل، کارگران مهاجر در شهر توسکانی پراتو، موجی از اعتصابات را برگزار کرده‌اند و خواستار هفته‌ی کاری چهل ساعته یا همان «۵×۸» هستند.

این اعتصابات که توسط اتحادیه‌ی Sudd Cobas سازمان‌دهی شده‌اند، با نام «روزهای اعتصاب» شناخته می‌شوند، و مستقیماً هفتاد کارخانه‌ی نساجی و پوشاک را در بزرگ‌ترین مرکز تولید نساجی اروپا درگیر کرده‌اند. این اعتصابات هم‌زمان و بسیار موفق بوده‌اند. اکنون، طی چهارده هفته، ۵×۸ - یعنی هشت ساعت کاری در روز، پنج روز در هفته - را در شصت و هشت کارگاه و انبار مُد به دست آورده‌اند.

این پیروزی‌ها نتیجه‌ی هفت سال سازمان‌دهی در یکی از معروف‌ترین مناطق صنعتی ایتالیا است. تخمین زده می‌شود که پراتو بیش از هفت‌هزار شرکت نساجی و پوشاک را در خود جای داده است که چهل و سه هزار نفر را در استخدام دارند. معمولاً کارگران از سوی شرکت‌های کوچک در مراحل مختلف تولید به استخدام گرفته می‌شوند - تخصص‌هایی مانند رنگرزی نخ، تاباندن نخ، چاپ پارچه، دوخت تی‌شرت یا حتی جابه‌جایی آویزها بین کارگاه‌ها. این فعالیت‌ها با هم نزدیک به ۲ میلیارد یورو درآمد صادراتی سالانه تولید می‌کنند، و پراتو را به یکی از مراکز مهم مُد معروف به «ساخت ایتالیا» تبدیل می‌کنند.

باین‌حال، در ایتالیا، این شهر به خاطر حضور گسترده‌ی کارگران مهاجر و شرایط استثمارگرانه‌ی کاری‌اش شناخته شده است؛ شرایطی شامل روزهای کاری چهارده ساعته، سرکوب اتحادیه‌ها، ماشین‌آلات خطرناک و خوابگاه‌های موقت داخل کارگاه‌ها که منجر به مرگ هفت کارگر چینی در آتش‌سوزی کارخانه‌ای در سال ۲۰۱۳ شد. برای سال‌ها، این بدنامی باعث شد که شمار زیادی از خبرنگاران و پژوهشگران به این شهر بیایند، از جمله خود من. امروز، ویدئوهای آشنا از کارگران در کنار چرخ‌های خیاطی و تصاویری از راهپیمایی‌ها و خطوط اعتصابی، به طور گسترده، در حال گردش است، زیرا این شهر به صحنه‌ای از افزایش فعالیت‌های کارگری مهاجران تبدیل شده است. سازمان‌دهندگان اتحادیه‌ی یادشده افزایش فعالیت‌ها را «جنبش ۵×۸» می‌نامند و آغاز آن را به اعتصابی در سال ۲۰۲۱ نسبت می‌دهند؛ اعتصاب نُه ماهه‌ای در یک شرکت چاپ پارچه که هدف آن رسیدن به هفته‌ی کاری چهل ساعته بود. بابت این اعتصاب در Texprint بود که من نخستین بار با اتحادیه آشنا شدم و مانند بسیاری دیگر، به مبارزه‌ی آن‌ها علاقه‌مند شدم. شجاعت و شوخ‌طبعی آن‌ها مُسری بود، و من با تحسین تماشای اعتراضات بیست و چهار ساعته و هفت روز هفته‌ی کارگران را دیدم. آن‌ها با وجود تهدید به جریمه، خشونت، بازداشت‌ها و شرایط سخت آب‌وهوایی، مانع از حرکت کامیون‌ها از دروازه‌ی کارخانه می‌شدند.

اتحادیه‌ی SUDD Cobas به خاطر این راه‌بندان‌های دائمی مشهور است. معترضین در مکان‌های اعتصابی، که به آن‌ها «پریس‌دیو» می‌گویند، غذا می‌خورند، می‌خوابند و وقت می‌گذرانند. «پریس‌دیو» به مجموعه‌ای از چادرها، میزها، صندلی‌ها و سایبان‌هایی گفته می‌شود که برای حمایت از زندگی روزمره در محیط اعتصاب ساخته شده‌اند. این واژه در زبان ایتالیایی معمولاً به معنای نگهداری یا گارد است و اعضای اتحادیه از آن برای اشاره به ساختارهای فیزیکی‌ای استفاده می‌کنند که مانع از خروج کالاهای تمام‌شده از محل‌های کار می‌شود. پریس‌دیو این امکان را به وجود می‌آورد که اعتصاب، حتی اگر نیروهای آن کم باشد، ضربه‌ای به منافع مالی شرکت وارد کند؛ بعضی از اعتصاب‌ها حتی اعتصاب‌های اقلیتی بوده‌اند. پیامدهای مالی اعتصاب‌ها و خطر از دست دادن مشتریان، در نهایت، بسیاری از کارفرمایان را به میز مذاکره می‌کشاند.

اتحادیه‌ی SUDD Cobas در ماه مه ۲۰۲۴ پس از انشعاب از اتحادیه‌ی مستقل Si Cobas تشکیل شد. SUDD مخفف «Sindacato Unione Democrazia Digita» به معنای سندیکای اتحاد، دموکراسی و کرامت است. اتحادیه‌های بنیادی مانند SUDD Cobas خارج از سه اتحادیه‌ی بزرگ کارگری کشور که تاریخاً با احزاب سیاسی مختلف مرتبط بوده‌اند فعالیت می‌کنند. در پراتو، SUDD Cobas هم با کارفرمایان و هم مقامات منتخب از حزب دموکراتیک چپ میانه برخورد کرده است، زیرا خواستار حقوق برای برخی از حاشیه‌ای‌ترین کارگران شهر است.

مدل روزهای اعتصاب که بهار امسال آغاز شد، یک جور مدل سازمان‌دهی جدید برای اتحادیه است: اعتصابات هم‌زمان و نامحدود با خطوط اعتصابی دائمی در چندین شرکت که به صورت منطقه‌ای هماهنگ شده‌اند. هفته‌ی گذشته، من با سارا کودیرو، مسئول ناظر این اتحادیه، به گفتگو درباره‌ی تجارب این اتحادیه پرداختم.

مورگان بلز مک‌فرسون: ابتدا توضیح می‌دهید چه چیزی باعث شد به «روزهای اعتصاب» برسید؟

سارا کادیرو: از ۶ آوریل، به صورت نوبتی، یک ماه اعتصاب نامحدود برگزار کردیم. هر اعتصاب یک پریس‌دیو داشت. کارفرمایان نمی‌دانستند نفر بعدی کیست. ما اعتصاب را شروع می‌کردیم و وقتی آن اعتصاب تمام می‌شد، اعتصاب جدیدی را در جای دیگری آغاز می‌کردیم و هر بار پریس‌دیو را جابه‌جا می‌کردیم.

مورگان بلز مک‌فرسون: مدل نوبتی شما شبیه مدل «ایستادن» اتحادیه‌ی کارگران خودروی ایالات متحده است که اخیراً در اعتصابات قرارداد سه شرکت بزرگ در سال ۲۰۲۳ و اعتصاب محلی خودم در دانشگاه کالیفرنیا در سال گذشته در حمایت از فلسطین به کار گرفته شد. در این اعتصابات، اتحادیه همه را هم‌زمان به اعتصاب نمی‌کشاند، بلکه، به مرور زمان، کارخانه‌ها یا پردیس‌های جدیدی را فرا می‌خواند و کارفرما و مسئولین را در سردرگمی نگاه می‌دارد. این مدل در پراتو چقدر موفق بود؟

سارا کادیرو: خیلی موفق بود. بسیاری از اعتصابات بسیار کوتاه بودند؛ یک روز اعتصاب می‌توانست برای کسب قرارداد کافی باشد. در مجموع، ما، در یک ماه، پانزده اعتصاب برگزار کردیم. در واقع، کار آن قدر خوب پیش رفت که مجبور شدیم مدل را تغییر دهیم. بسیاری از کارگران به ما مراجعه کردند و از ما خواستند که به آن‌ها در سازمان‌دهی اعتصاب در محل کارشان کمک کنیم. اما اگر مدل نوبتی را ادامه می‌دادیم، فرصت از دست می‌رفت. فصل پرکار تولید مد - از آوریل تا جولای - به پایان می‌رسید و ما اهرم فشار مهمی را از دست می‌دادیم.

مورگان بلز مک‌فرسون: به همین دلیل بود که به مدل «روزهای اعتصاب» روی آوردید؟

سارا کادیرو: درست است. ما اولین دوره‌ی روزهای اعتصاب خود را از ۳۰ می برگزار کردیم. اعتصاب‌های دیگر را نوبتی برگزار نکردیم، بلکه از همان ابتدا هم‌زمان دست‌به‌کار شدیم. حداکثر اعتصاب‌هایی که هم‌زمان برگزار کردیم، ده اعتصاب به مدت چهار روز بود. وقتی یک اعتصاب به پایان می‌رسید، اعتصاب دیگری شروع می‌شد. مثلاً یک جمعه‌صبح می‌توانستیم ده اعتصاب داشته باشیم، اما تا عصر دو اعتصاب تمام شده و دو اعتصاب جدید آن شب آغاز می‌شد.

این حداکثر ظرفیت‌مان بود. هر پرسدییو باید دست‌کم یک نفر داشته باشد که بتواند به زبان ایتالیایی، تا حدی که کفایت کند، حرف بزند؛ مثلاً برای وقتی که پلیس برسد یا کارفرما تمایل خود را برای مذاکره اعلام کند. این افراد معمولاً پیش از اعتصاب در اتحادیه فعال بوده‌اند - در کارگاه‌های «حقوق خود را بدانید» شرکت کرده‌اند، در مجامع سراسری اتحادیه حضور داشته‌اند، و می‌دانند برای هماهنگی مذاکرات یا پاسخ اضطراری به تهدیدهای خشونت‌آمیز با چه کسی در اتحادیه تماس بگیرند.

در اولین یک‌شنبه از روزهای اعتصاب، یک روز را «روز ماکروبلوکو» نامیدیم. ما ده خط اعتصاب را در قلب استثمارگریانه‌ی ماکرولوتو برپا کردیم و راهپیمایی‌ای در خیابان‌های آن برگزار کردیم. این راهپیمایی عمدتاً شامل کارگران اتحادیه از پاکستان، بنگلادش، افغانستان و هند بود؛ اما دانش‌آموزان دبیرستانی، دانش‌جویان و فعالانی از شهرهای نزدیک پیسا و لوکا نیز در آن شرکت داشتند.

حرکت خود را از کارخانه‌ی ترزا مودا شروع کردیم؛ جایی که در آتش‌سوزی سال ۲۰۱۳ هفت کارگر در آن کشته شدند. و در مسیر راهپیمایی، کارگران محل‌های کارشان را ترک کرده و به جمع ما می‌پیوستند. البته همه‌ی این‌ها پیشاپیش مخفیانه سازمان‌دهی شده بود.

مورگان بلز مک‌فرسون: چقدر شگفت‌انگیز، مورمور شدم!

سارا کادیرو: واقعاً شگفت‌انگیز بود! یک کارگری که نمی‌شناختیم - که در کارخانه‌ای هم‌جوار مشغول به کار بود - حتی محل کارش را ترک کرد! تا آن شب، تنها سه اعتصاب باقی مانده بود. همه‌ی دیگر اعتصاب‌ها به پیروزی رسیده بودند!

روز بعد، وقتی در یکی از آن سه اعتصاب بودیم، یک کارگر از شرکت هم جوار به ما گفت که می‌خواهد اعتصاب کند. بنابراین، به او کمک کردیم تا اعتصاب را سازمان‌دهی کند. اعضای اتحادیه بلندگو برداشتند و در خیابان‌ها فریاد زدند که همه‌ی کارگران باید اعتصاب کنند. هشت کارگر از چهار شرکت پوشاک به صورت خودجوش محل کارشان را ترک کرده و به ما در خیابان پیوستند.

مهم است که حواسمان باشد این فقط به این دلیل ممکن بود که کارگرانی که در آوریل اعتصاب کرده و حقوق خود را به دست آورده بودند، در اعتصاب هم‌بستگی با تازه‌واردان در طول روزهای اعتصاب شرکت کردند. حفظ این تعداد اعتصاب هم‌زمان نیازمند حمایت عظیمی است - و این کارگران آن حمایت را از خود نشان دادند.

مورگان بلز مک‌فرسون: اینک در اتحادیه مشغول چه کاری هستید؟

سارا کادیرو: اکنون دور جدیدی از «روزهای اعتصاب» را آغاز کرده‌ایم. از دور قبلی، کارگرانی از سی کارخانه‌ی دیگر به سراغ ما آمده‌اند تا در هماهنگی اعتصاب‌ها به آن‌ها یاری برسانیم. تاکنون، در این موج جدید، هجده اعتصاب انجام داده‌ایم و در حال نهایی کردن پانزدهمین قرارداد هستیم.

مورگان بلز مک‌فرسون: چه درس‌هایی از تجارب «روزهای اعتصاب» گرفته‌اید؟

سارا کادیرو: اهمیت سازمان‌دهی حمایت از اعتصاب‌ها، بر اساس مناطق جغرافیایی، بسیار بالاست. ما پراتو را به هشت منطقه تقسیم کردیم. کارگرانی که قبلاً ۸×۵ را به دست آورده بودند، جلسات منطقه‌ای برگزار کردند تا شیفت‌های شب، تهیه‌ی غذا و آب‌رسانی را سازمان‌دهی کنند. تأمین آب کافی برای اعتصاب‌کنندگان در یک منطقه‌ی صنعتی دشوار اما حیاتی است - به‌ویژه با توجه به گرمای سوزانی که این روزها در ایتالیا تجربه می‌کنیم. افرادی که پیش‌تر فعالیت زیادی در اتحادیه نداشتند، به دلیل نیاز واضح و فوری به حمایت گسترده، فعال شدند.

مورگان بلز مک‌فرسون: ما در دوره‌ای زندگی می‌کنیم که معمولاً اندازه‌ی عددی یک اعتصاب معیار اهمیت (یا بی‌اهمیتی) تاریخی آن در نظر گرفته می‌شود. ممکن است کسی به این ارقام نگاه کند و بگوید: «خب، چه اهمیتی دارد اگر چنده محل کار کوچک اتحادیه‌ای شوند؟» آیا می‌توانید اهمیت «روزهای اعتصاب» را توضیح دهید؟

سارا کادیرو: روزهای اعتصاب در شرکت‌های بسیار کوچک نساجی و پوشاک برگزار می‌شوند - جاهایی که مدت‌ها تصور می‌شد نمی‌توان اتحادیه‌هایی در آن تشکیل داد، چرا که تعداد کارگران‌شان بسیار کم است. کارگاه‌های خیاطی، اتوشویی، انبارهای پوشاک ... ما درباره‌ی محل‌هایی با هشت تا بیست کارگر صحبت می‌کنیم. به همین دلیل، این شرکت‌ها اغلب بدترین شرایط کاری را دارند: دوازده ساعت کار در روز، هفت‌روز هفته.

اما کارفرمایان آن‌ها «کارفرمای کوچک» نیستند - آن‌ها اغلب مالک چندین شرکت هستند. ما در SUDD Cobas این شرکت‌های کوچک را مانند بخش‌های مختلف یک کارخانه‌ی بزرگ در نظر می‌گیریم و اعتصابات اخیر را بر همین اساس سازمان‌دهی کردیم. این تمرکز بر محل‌های کار کوچک برای ما جدید بود. ما، به مدت شش سال، اعتصابات را در

شرکت‌های بزرگ‌تری در زمینه‌ی تولید نساجی و پوشاک سازمان‌دهی کرده بودیم، جاهایی که هر کدام بین پنجاه تا صد کارگر داشتند. کارگاه‌های کوچک‌تر - که تعدادشان در پراتو بی‌شمار است - تا حد زیادی نادیده گرفته شده بودند. وقتی اتحادیه‌ی ما رشد کرد، رهبری هدف جدیدی تعیین کرد: سازمان‌دهی فضاهایی که به نظر می‌رسید اتحادیه‌ای کردن‌شان ناممکن است. ما این کار را با هم‌بستگی انجام دادیم - با سازمان‌دهی کارگران شرکت‌های مختلف، گویی که هم‌کار یک‌دیگرند. کارگرانی که سال‌ها پیش در کارخانه‌های بزرگ‌تر اعتصاب کرده بودند، برای حمایت از اعتصاب‌ها در مناطق جغرافیایی خود حاضر شدند. بدون حمایت آن‌ها، هیچ‌کدام از پیروزی‌های اخیر «روزهای اعتصاب» ممکن نبود.

موفقیت روزهای اعتصاب اهمیت زیادی دارد، چون ما نشان دادیم که با هم‌بستگی می‌توان ناممکن را ممکن ساخت.

برگرفته از:

<https://labornotes.org/blogs/2025/07/italy-immigrant-workers-launch-wave-strikes-40-hour-week>